



شبهه استناددهی: پروانی، ناصر، مدنی، امیرمحسن، کاوسی، اسمعیل، محقق، نادر، و باقری نظام‌آباد، لیلا. (۱۴۰۵). طراحی الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی بر پایه تحلیل مضمون. آموزش، تربیت و توسعه پایدار، ۴(۵)، ۱۷-۱.



© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

طراحی الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی بر پایه تحلیل مضمون

ناصر پروانی^۱، امیرمحسن مدنی^۲، اسمعیل کاوسی^۳، نادر محقق^۴، لیلا باقری نظام‌آباد^۵

۱. گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران

۲. گروه طراحی صنعتی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. گروه مدیریت فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴. گروه مدیریت فرهنگی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۵. گروه طراحی صنعتی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Amir_m_madani@iau.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر طراحی و تبیین الگویی جامع برای تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه، پاسداشت و گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد، کیفی و مبتنی بر پارادایم تفسیری بود که با استفاده از راهبرد تحلیل مضمون انجام شد. جامعه پژوهش را خبرگان و استادان دارای تخصص و تجربه در حوزه‌های ادبیات فارسی، مدیریت فرهنگی و مدیریت آموزشی تشکیل دادند که ۱۰ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری هدفمند و تا دستیابی به اشباع نظری انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و پس از پیاده‌سازی، با رویکرد استقرایی در سطوح مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر کدگذاری و تحلیل شدند. برای افزایش اعتبار یافته‌ها نیز از راهبردهای بازبینی خارجی و تکثرگرایی پژوهشگران استفاده شد. تحلیل مضمون داده‌ها به استخراج هفت مضمون فراگیر و ۲۷ مضمون سازمان‌دهنده منجر شد. مضامین فراگیر شامل حفظ ارزش‌های فرهنگ ایرانی، گسترش اسلام و تقویت ارزش‌های فرهنگ اسلامی، حفظ و ارتقای زبان و ادبیات فارسی، حفظ و اعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی، حفظ هویت فرهنگی ایرانیان، توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی و گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان بود. الگوی حاصل نشان داد که تقویت زبان فارسی از طریق حفاظت از ارزش‌های فرهنگی، تحکیم هویت و انسجام ملی، نقش‌آفرینی نظام آموزشی و ادیبان، حفظ زاینده‌گی و خلاقیت زبان، انتقال ارزش‌های انسانی و اسلامی و ترویج هدفمند زبان فارسی در سطح بین‌المللی می‌تواند به صورت یک شبکه به هم پیوسته به توسعه فرهنگی و تمدنی ایران منجر شود. یافته‌ها نشان می‌دهد زبان و ادبیات فارسی نه تنها ابزاری ارتباطی، بلکه سازوکاری راهبردی برای بازتولید هویت فرهنگی، انتقال میراث ایرانی — اسلامی، انسجام اجتماعی و توسعه قدرت فرهنگی ایران است؛ بنابراین، سیاست‌گذاری هماهنگ آموزشی، فرهنگی و بین‌المللی برای پاسداشت، بازسازی، ترویج و جهانی‌سازی هدفمند زبان و ادبیات فارسی می‌تواند ظرفیت آن را در توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی تقویت کند.

کلیدواژه‌گان: زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ ایرانی، تمدن ایرانی، هویت فرهنگی، تحلیل مضمون، توسعه فرهنگی.

تاریخ ارسال: ۱۰ تیر ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۲ مهر ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۹ مهر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۲۳ مهر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵



How to cite: Parvani, N., Madani, A. M., Kavousi, E., Mohaghegh, N., & Bagheri Nezamabad, L. (2026). Developing a Model for Strengthening Persian Language and Literature toward the Development of Iranian Culture and Civilization Based on Thematic Analysis. *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(5), 1-17.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Developing a Model for Strengthening Persian Language and Literature toward the Development of Iranian Culture and Civilization Based on Thematic Analysis

Naser Parvani¹, Amir Mohsen Madani^{2*}, Esmail Kavousi³, Nader Mohaghegh⁴, Leila Bagheri Nezamabad⁵

1. Department of Cultural Management and Planning, Kish.C., Islamic Azad University, Kish, Iran

2. Department of Industrial Design, YR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Department of Cultural Management, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

4. Department of Cultural Management, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

5. Department of Industrial Design, WT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: Amir_m_madani@iau.ac.ir

Abstract

This study aimed to develop and explain a comprehensive model for strengthening Persian language and literature in order to promote, preserve, and expand Iranian culture and civilization. This applied study adopted a qualitative approach within an interpretive paradigm and employed thematic analysis as its principal analytical strategy. The study population comprised experts and academics with relevant expertise and experience in Persian literature, cultural management, and educational management. Ten participants were selected through purposive sampling, with data collection continuing until theoretical saturation was achieved. Data were gathered through semi-structured interviews and, following transcription, were analyzed inductively through the identification and classification of basic, organizing, and global themes. External review and researcher pluralism were employed to enhance the credibility and trustworthiness of the qualitative analysis. The thematic analysis yielded seven global themes and 27 organizing themes. The global themes comprised preservation of Iranian cultural values, expansion of Islam and reinforcement of Islamic cultural values, preservation and advancement of Persian language and literature, preservation and elevation of Iranian culture and civilization, preservation of Iranian cultural identity, development of Iranian culture and civilization, and global expansion of Persian language and literature. The resulting model indicated that strengthening Persian requires an interconnected set of mechanisms, including protection of cultural values, reinforcement of national identity and cultural cohesion, active engagement of the educational system and literary scholars, preservation of linguistic creativity and productivity, transmission of Iranian and Islamic human values, and systematic promotion of Persian beyond national borders. Persian language and literature function not merely as means of communication but as strategic mechanisms for reproducing cultural identity, transmitting Iranian-Islamic heritage, strengthening social cohesion, and enhancing Iran's cultural capacity. Accordingly, coordinated educational, cultural, and international policies aimed at preserving, revitalizing, promoting, and strategically internationalizing Persian language and literature can substantially contribute to the sustainable development of Iranian culture and civilization.

Keywords: *Persian language and literature, Iranian culture, Iranian civilization, cultural identity, thematic analysis, cultural development.*

Submit Date: 01 July 2026

Revise Date: 04 October 2026

Accept Date: 11 October 2026

Initial Publish: 15 October 2026

Final Publish: 22 December 2026

زبان، یکی از بنیادی‌ترین عناصر شکل‌دهنده به فرهنگ، هویت و حافظه جمعی جوامع انسانی است و فراتر از کارکرد ارتباطی خود، بستری برای انتقال ارزش‌ها، تجربه‌های تاریخی، باورها، دانش، الگوهای رفتاری و نظام‌های معنایی از نسلی به نسل دیگر فراهم می‌کند. بخش مهمی از استمرار تاریخی هر جامعه از طریق زبان و متونی تحقق می‌یابد که در آن زبان تولید شده‌اند؛ زیرا زبان نه تنها واقعیت اجتماعی را بازنمایی می‌کند، بلکه در ساخت، بازتولید و تفسیر آن نیز نقش دارد. از این منظر، ادبیات را می‌توان یکی از متراکم‌ترین صورت‌های بازنمایی تجربه فرهنگی دانست که در آن مؤلفه‌های هویتی، اخلاقی، تاریخی، دینی، اجتماعی و زیبایی‌شناختی یک ملت به شکلی ماندگار صورت‌بندی می‌شوند. در مورد ایران، زبان و ادبیات فارسی طی سده‌های متمادی نقشی محوری در پیوند میان اقوام، انتقال میراث فرهنگی، استمرار حافظه تاریخی و شکل‌گیری احساس تعلق به یک حوزه تمدنی مشترک داشته است. پژوهش‌های معاصر نیز بر این نکته تأکید دارند که ادبیات می‌تواند به‌عنوان یکی از سازوکارهای مؤثر در حفظ هویت فرهنگی عمل کند و از طریق بازنمایی ارزش‌ها و الگوهای تاریخی، پیوند میان گذشته، حال و آینده فرهنگی یک جامعه را استحکام بخشد (Bagheri, 2023). همچنین، زبان فارسی در مقام زبان فرهنگی و تاریخی ایران، به عاملی برای انسجام ملی و انتقال مؤلفه‌های فرهنگی در درون و بیرون مرزهای جغرافیایی کشور تبدیل شده است (Darbazi Yengejeh & Samadi Silabi, 2025).

اهمیت زبان فارسی در ساخت و تداوم فرهنگ ایرانی، با پیشینه تاریخی طولانی آن ارتباط مستقیم دارد. ریشه‌های زبان فارسی را می‌توان در تحولات تاریخی زبان‌های ایرانی جست‌وجو کرد و شواهد موجود درباره فارسی باستان نشان‌دهنده جایگاه دیرینه این زبان در تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران است. مطالعه ساختار و آثار برجای‌مانده از فارسی باستان نشان می‌دهد که سنت زبانی ایرانی از دوره‌های بسیار کهن دارای صورت‌بندی منسجم و ظرفیت ثبت مفاهیم سیاسی، دینی و اجتماعی بوده است (Skjaervo, 2012). این تداوم تاریخی سبب شده است که زبان فارسی، برخلاف بسیاری از زبان‌هایی که در گذر زمان دچار گسست‌های بنیادین شده‌اند، بتواند بخش مهمی از پیوند خود را با میراث ادبی و فرهنگی گذشته حفظ کند. استمرار زبان، به‌ویژه از طریق ادبیات، زمینه‌ای فراهم آورده است که آثار شاعران، نویسندگان، عارفان و اندیشمندان ایرانی همچنان در ساختار فرهنگی جامعه حضور فعال داشته باشند. همین ویژگی، زبان فارسی را از یک ابزار صرفاً ارتباطی فراتر برده و آن را به مخزنی از مفاهیم تمدنی، نمادهای هویتی و ارزش‌های فرهنگی تبدیل کرده است.

ادبیات فارسی یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تجلی این ظرفیت تمدنی است. آثار برجسته ادبی از شاهنامه فردوسی تا غزلیات حافظ، آثار سعدی، مثنوی مولوی و دیگر متون کلاسیک، تنها تولیدات ادبی یا هنری محسوب نمی‌شوند، بلکه بخشی از نظام معنایی فرهنگ ایرانی را شکل داده‌اند. این آثار در طول زمان مفاهیمی مانند خرد، عدالت، وفاداری، شجاعت، عشق، نوع‌دوستی، معنویت، اخلاق و مسئولیت اجتماعی را در قالب‌های گوناگون بازتولید کرده و در حافظه فرهنگی جامعه تثبیت کرده‌اند. مطالعات انجام‌شده درباره نقش شعر و ادب فارسی در احیای فرهنگ ایرانی نشان می‌دهد که ادبیات از طریق انتقال ارزش‌های فرهنگی و بازنمایی هویت تاریخی، ظرفیت بالایی برای بازآفرینی و تقویت عناصر فرهنگی ایران دارد (Alidoust & Fallahian, 2024). همچنین، بررسی نقش ادبیات در فرهنگ و هویت ملت‌ها نشان داده است که ادبیات می‌تواند با ایجاد پیوند میان تجربه فردی و حافظه جمعی، احساس تعلق فرهنگی را تقویت و عناصر هویتی را در دوره‌های مختلف تاریخی بازتولید کند (Bozorgmehr, 2024). به همین دلیل، تقویت زبان و ادبیات فارسی را باید نه صرفاً اقدامی آموزشی یا ادبی، بلکه بخشی از سیاست کلان حفظ و توسعه فرهنگی تلقی کرد.

یکی از مهم‌ترین ابعاد نقش زبان و ادبیات فارسی، تأثیر آن بر شکل‌گیری و استمرار هویت ملی است. هویت ملی مفهومی چندلایه است که از مؤلفه‌هایی چون زبان، تاریخ، حافظه جمعی، ارزش‌های مشترک، نمادهای فرهنگی و تجربه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. زبان فارسی به دلیل گستره تاریخی و جغرافیایی خود، نقش مهمی در ایجاد زمینه مشترک میان گروه‌های مختلف اجتماعی و قومی ایران ایفا کرده است. آموزش

زبان و ادبیات فارسی نیز در این فرایند اهمیت اساسی دارد؛ زیرا نظام آموزشی از طریق انتقال متون ادبی، مفاهیم تاریخی و ارزش‌های فرهنگی، زمینه‌آشنایی نسل‌های جدید با میراث فرهنگی را فراهم می‌سازد. یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که آموزش زبان و ادبیات فارسی می‌تواند بر تقویت هویت ملی و فرهنگی اثرگذار باشد و از طریق آشنایی دانش‌آموزان و نسل جوان با آثار ادبی، ضرب‌المثل‌ها، روایت‌های تاریخی، مفاهیم اخلاقی و عناصر فرهنگی، فرایند انتقال هویت را تسهیل کند (Seifi Ghazi Mahalleh, 2024). بنابراین، تضعیف آموزش زبان و ادبیات می‌تواند پیامدهایی فراتر از کاهش مهارت‌های زبانی داشته و به تدریج بر انسجام فرهنگی و پیوند نسل‌ها با حافظه تاریخی جامعه نیز اثر بگذارد. از سوی دیگر، زبان فارسی در تعامل با فرهنگ و تمدن اسلامی نیز مسیر ویژه‌ای را طی کرده است. پس از ورود اسلام به ایران، زبان فارسی به بستری مهم برای بازتفسیر، انتقال و گسترش بسیاری از مفاهیم دینی، عرفانی، اخلاقی و فلسفی تبدیل شد. تعامل میان عناصر فرهنگ ایرانی و آموزه‌های اسلامی، نه به حذف یکی از این دو حوزه، بلکه در بسیاری از موارد به شکل‌گیری ترکیبی فرهنگی و تمدنی انجامید که در بخش قابل توجهی از ادبیات فارسی بازتاب یافته است. شاعران و نویسندگان ایرانی توانستند مضامین اسلامی را با ظرفیت‌های زبانی، نمادین و زیبایی‌شناختی فارسی تلفیق کنند و آثاری خلق کنند که در گستره وسیعی از جهان اسلامی مورد توجه قرار گرفت. بررسی تأثیر فرهنگ و تعلیم اسلامی بر شکل‌گیری و توسعه ادبیات فارسی نشان می‌دهد که این تعامل موجب غنای واژگانی، مفهومی، اخلاقی و عرفانی ادبیات فارسی شده و هم‌زمان در تقویت هویت فرهنگی ایرانیان نقش داشته است (Raeisi, 2024). بر همین اساس، زبان و ادبیات فارسی را می‌توان یکی از مهم‌ترین بسترهای تاریخی تعامل فرهنگ ایرانی و تمدن اسلامی دانست.

کارکرد تمدنی زبان فارسی تنها به درون مرزهای ایران محدود نبوده است. این زبان در دوره‌های مختلف تاریخی در بخش‌هایی از آسیای مرکزی، شبه‌قاره هند، قفقاز، آناتولی و دیگر مناطق به‌عنوان زبان ادب، فرهنگ، دیوان‌سالاری یا تعاملات علمی و فکری حضور داشته است. استمرار توجه به شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان در کشورهای مختلف، به‌ویژه در برخی جوامع روسی‌زبان و آسیای مرکزی، نشان می‌دهد که میراث ادبی فارسی ظرفیت قابل توجهی برای نفوذ فرهنگی و ایجاد پیوندهای فرامرزی دارد (Shahmirza, 2011). این ظرفیت در شرایط معاصر نیز می‌تواند به‌عنوان بخشی از دیپلماسی فرهنگی ایران مورد استفاده قرار گیرد. گسترش آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی، حمایت از ترجمه آثار برجسته، توسعه محتوای دیجیتال چندزبانه، تقویت تعامل میان پژوهشگران و ایجاد شبکه‌های علمی و ادبی می‌تواند دامنه حضور زبان فارسی را افزایش دهد و زمینه شناخت دقیق‌تر فرهنگ و تمدن ایرانی را در سطح بین‌المللی فراهم سازد.

این مسئله در بستر جهانی‌شدن اهمیت مضاعفی یافته است. جهانی‌شدن موجب افزایش تماس میان جوامع، تشدید جریان اطلاعات، تسهیل انتقال محصولات فرهنگی و شکل‌گیری الگوهای جدید ارتباط میان فرهنگ‌ها شده است. در چنین شرایطی، فرهنگ‌ها بیش از گذشته در معرض تأثیرگذاری متقابل قرار گرفته‌اند و توانایی یک فرهنگ برای حفظ عناصر هویتی خود، در عین تعامل سازنده با دیگر فرهنگ‌ها، به یکی از موضوعات اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی تبدیل شده است. بررسی رابطه جهانی‌شدن و فرهنگ نشان می‌دهد که جهانی‌شدن می‌تواند به تغییر الگوهای فرهنگی، افزایش تماس میان نظام‌های ارزشی و بازتعریف برخی عناصر هویتی منجر شود (Raikhan et al., 2014). از سوی دیگر، گسترش فناوری اطلاعات و شبکه‌های ارتباطی، امکان گردش سریع دانش و محصولات فرهنگی را فراهم کرده است و در نتیجه، شفافیت اطلاعاتی و دسترسی جهانی به دانش نیز افزایش یافته است (Leidner, 2010). در چنین محیطی، زبان‌هایی که از حضور فعال در فضای علمی، آموزشی، رسانه‌ای و دیجیتال برخوردار نباشند، ممکن است در بلندمدت با کاهش حوزه کارکرد و تضعیف موقعیت فرهنگی مواجه شوند. حفظ و تقویت زبان‌ها در جهان معاصر همچنین از منظر تنوع فرهنگی اهمیت دارد. کاهش تعداد گویشوران برخی زبان‌ها و حذف تدریجی زبان‌های محلی و کم‌کاربرد، یکی از پیامدهای نابرابری فرهنگی در فرایند جهانی‌شدن است. گزارش‌های مربوط به سرعت ناپدید شدن زبان‌ها نشان داده‌اند که بخشی از میراث زبانی جهان در معرض تهدید جدی قرار دارد و با حذف هر زبان، مجموعه‌ای از دانش‌ها، روایت‌ها، خاطرات و الگوهای فرهنگی نیز از میان می‌رود (Maugh, 2017). هرچند زبان فارسی در شمار زبان‌های دارای جمعیت گسترده گویشوران و سنت ادبی قدرتمند قرار دارد، این وضعیت به معنای مصونیت آن از چالش‌های فرهنگی، آموزشی و فناورانه نیست. کاهش سرانه مطالعه ادبی، ضعف در

تولید محتوای جذاب برای نسل‌های جدید، نفوذ روزافزون واژگان بیگانه بدون فرایند مناسب معادل‌سازی، محدودیت حضور فارسی در برخی عرصه‌های نوین علمی و فناوری و ضعف سیاست‌های بین‌المللی آموزش فارسی می‌تواند در درازمدت بخشی از ظرفیت این زبان را کاهش دهد. از منظر مدیریت راهبردی فرهنگ، تقویت زبان فارسی نیازمند شناسایی مزیت‌ها، ظرفیت‌ها، تهدیدها و فرصت‌های موجود است. مفهوم مزیت رقابتی در مدیریت راهبردی بر ویژگی‌ها و منابعی دلالت دارد که می‌توانند جایگاه متمایزی برای یک سازمان یا نظام در محیط رقابتی ایجاد کنند (Ansoff, 2022). می‌توان این مفهوم را با احتیاط به حوزه فرهنگ نیز تسری داد و ویژگی‌هایی مانند پیشینه تاریخی زبان فارسی، غنای ادبی، تنوع سبک‌ها، ظرفیت بالای مفهومی، گستردگی میراث مکتوب، پیوند با عرفان و فلسفه، موسیقی زبانی و حضور شخصیت‌های جهانی مانند فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی و خیام را از جمله مزیت‌های فرهنگی و تمدنی فارسی دانست. اما بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها مستلزم سیاست‌گذاری فعال است؛ زیرا برخورداری از میراث غنی به‌تنهایی تضمین‌کننده استمرار نفوذ فرهنگی نیست و در غیاب برنامه‌ریزی، ظرفیت‌های تاریخی ممکن است به منابعی منفعل تبدیل شوند.

مطالعات جدید نیز بر پیوند میان ادبیات فارسی و توسعه فرهنگی تأکید کرده‌اند. ادبیات می‌تواند از طریق تربیت فرهنگی، ایجاد حساسیت نسبت به ارزش‌های اجتماعی، تقویت تفکر انتقادی، افزایش توان گفت‌وگو و انتقال تجربه‌های تاریخی در توسعه فرهنگی جامعه نقش داشته باشد. پژوهش انجام‌شده درباره نقش ادبیات فارسی در توسعه فرهنگی ایران نشان داده است که ظرفیت‌های ادبی می‌تواند در شکل‌گیری کنش‌های هویت‌ساز، تقویت ارزش‌های انسانی و ارتقای سرمایه فرهنگی جامعه اثرگذار باشند (Nazeri & Shokri Joshaghani, 2024). همچنین، بررسی نفوذ زبان فارسی در جوامع اسلامی نشان می‌دهد که این زبان طی تاریخ توانسته است هم‌زمان کارکرد زبانی و فرهنگی داشته باشد و در انتقال ارزش‌ها و عناصر تمدن ایرانی به دیگر جوامع نقش ایفا کند (Darbazi Yengejeh & Samadi Silabi, 2025). در نتیجه، توسعه فرهنگ ایرانی بدون توجه به جایگاه زبان فارسی، از یک مؤلفه بنیادین و ساختاری محروم خواهد بود.

در کنار این ابعاد، ارتباطات میان‌فرهنگی نیز یکی از حوزه‌های مهم برای فهم جایگاه زبان در جهان معاصر است. زبان‌آموزی در بسیاری از رویکردهای جدید تنها به کسب مهارت‌های دستوری و واژگانی محدود نمی‌شود، بلکه به‌عنوان فرایندی برای ورود به نظام معنایی و فرهنگی جامعه مقصد تلقی می‌شود. مطالعه رابطه ارتباطات میان‌فرهنگی و ارتقای مهارت‌های زبانی نشان می‌دهد که یادگیری زبان زمانی اثربخشی بیشتری دارد که با شناخت زمینه فرهنگی، الگوهای ارتباطی و ارزش‌های جامعه مرتبط باشد (Liu, 2024). از این منظر، آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان نیز باید با معرفی تاریخ، هنر، ادبیات، آیین‌ها و نظام‌های معنایی فرهنگ ایرانی همراه شود تا زبان فارسی نه به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد، بلکه به‌عنوان دریچه‌ای برای شناخت یک تمدن معرفی شود.

با این حال، ارتباط میان‌فرهنگی همواره فرایندی بدون مسئله نیست و تفاوت در نظام‌های ارزشی، الگوهای رفتاری، برداشت‌های زبانی و پیش‌فرض‌های فرهنگی می‌تواند به سوءتفاهم و اختلال در ارتباط منجر شود. پژوهش درباره خطاها و موانع ارتباطات میان‌فرهنگی نشان می‌دهد که ناآگاهی نسبت به تفاوت‌های فرهنگی و معنایی می‌تواند اثربخشی تعامل میان افراد متعلق به فرهنگ‌های مختلف را کاهش دهد (Sarvinokhon, 2023). همچنین، مسئله دریافت و فهم پیام در ارتباطات میان‌فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا مخاطبان، پیام‌های فرهنگی را بر اساس چارچوب‌های ذهنی و فرهنگی خود تفسیر می‌کنند و همین مسئله ضرورت طراحی هوشمندانه فرایندهای معرفی یک زبان و فرهنگ را افزایش می‌دهد (Shahlo, 2023). بنابراین، گسترش جهانی زبان فارسی مستلزم صرفاً افزایش تعداد دوره‌های آموزشی نیست، بلکه باید همراه با شناخت مخاطبان، بومی‌سازی روش‌های معرفی فرهنگ و تولید محتوای متناسب با زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی باشد.

افزون بر جنبه‌های بین‌المللی، تقویت زبان و ادبیات فارسی مستلزم بازنگری در شیوه‌های حضور آن در زندگی فرهنگی داخل کشور نیز هست. زبان زمانی می‌تواند نقش هویت‌ساز خود را حفظ کند که برای نسل‌های جدید زنده، جذاب، کاربردی و قابل ارتباط با تجربه روزمره باشد. محدود کردن ادبیات فارسی به محفوظات آموزشی یا ارائه آن در قالب‌های غیرجذاب ممکن است فاصله میان نسل جدید و میراث ادبی را

افزایش دهد. برعکس، استفاده از رسانه‌های دیجیتال، روایت‌های چندرسانه‌ای، تولیدات هنری، بازی‌های آموزشی، پادکست، سینما، شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های نو می‌تواند زمینه بازخوانی میراث ادبی را فراهم سازد. نقش ادبیات در حفظ هویت فرهنگی زمانی پایدار خواهد بود که عناصر آن بتوانند در قالب‌های جدید بازتولید شوند و در تجربه فرهنگی روزمره حضور داشته باشند (Bagheri, 2023). همچنین، احیای شعر و ادب فارسی نیازمند آن است که میراث ادبی نه به‌عنوان مجموعه‌ای متعلق به گذشته، بلکه به‌عنوان منبعی برای پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی و هویتی معاصر مورد استفاده قرار گیرد (Alidoust & Fallahian, 2024).

بررسی پیشینه موجود نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین هر یک بخشی از رابطه میان زبان فارسی، ادبیات، فرهنگ، هویت و تمدن را بررسی کرده‌اند. برخی مطالعات بر نقش زبان فارسی در گسترش فرهنگ ایرانی در جوامع اسلامی تمرکز داشته‌اند (Darbazi Yengejeh, 2025 & Samadi Silabi)، برخی بر آموزش زبان و ادبیات و تأثیر آن بر هویت ملی تأکید کرده‌اند (Seifi Ghazi Mahalleh, 2024)، گروهی تعامل ادبیات فارسی با فرهنگ و تعلیم اسلامی را مطالعه کرده‌اند (Raeisi, 2024) و برخی نیز نقش ادبیات فارسی را در توسعه فرهنگی، احیای فرهنگ یا حفظ هویت بررسی کرده‌اند (Bozorgmehr, 2024; Nazeri & Shokri Joshaghani, 2024). این مطالعات اهمیت بالای زبان و ادبیات فارسی را تأیید می‌کنند، اما بخش قابل توجهی از آنها بر یک یا چند بعد خاص متمرکز بوده‌اند و کمتر به ارائه یک الگوی منسجم و چندبعدی پرداخته‌اند که بتواند سازوکارهای تقویت زبان و ادبیات فارسی را هم‌زمان با مؤلفه‌های هویتی، آموزشی، فرهنگی، اسلامی، تمدنی و بین‌المللی تبیین کند.

در نتیجه، مسئله اساسی تنها اثبات اهمیت زبان و ادبیات فارسی نیست، بلکه شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و روابطی است که از طریق آنها می‌توان این سرمایه فرهنگی را به‌صورت نظام‌مند تقویت کرد. در شرایطی که جهانی‌شدن، تحول فناوری، ارتباطات میان‌فرهنگی و تغییر الگوهای مصرف فرهنگی فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی برای زبان‌ها ایجاد کرده‌اند، تدوین یک الگوی بومی و جامع می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری فرهنگی، برنامه‌ریزی آموزشی، توسعه دیپلماسی فرهنگی و گسترش حضور جهانی زبان فارسی فراهم آورد؛ از این‌رو، هدف پژوهش حاضر طراحی الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی بر پایه تحلیل مضمون است.

روشناسی

این پژوهش از منظر هدف، جنبه کاربردی دارد و به لحاظ نوع گردآوری و تحلیل داده‌ها در زمره تحقیقات کیفی جای می‌گیرد. در راستای دستیابی به اهداف مطالعه، تحلیل مضمون به‌عنوان راهکار اصلی برای تحلیل و تفسیر داده‌ها به‌کار گرفته شد. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان بود. برای معرفی موضوع به مصاحبه‌شوندگان، ابتدا هدف کلی پژوهش (طراحی الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی) به همراه ضرورت‌ها و اهمیت آن شرح داده شد. سپس مصاحبه‌کننده از شرکت‌کنندگان خواست تا دیدگاه‌ها، نظرات و تجربیات خود را درباره جنبه‌های مختلف الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی بیان کنند. در برخی موارد، سؤالات تکمیلی پیرامون عوامل مؤثر بر این اثربخشی مطرح شد تا مصاحبه‌شوندگان فرصت بیشتری برای توضیح یا ارائه شواهد داشته باشند.

فرآیند گردآوری اطلاعات تا مرحله اشباع نظری تداوم یافت؛ به این معنا که پس از چند مصاحبه، اطلاعات تازه‌ای که ابعاد جدیدی از مسئله را نشان دهد، مشاهده نشد. در تمام این گفت‌وگوها، نکات مهم و مضامین استخراجی، به‌تفصیل ثبت گردید و پایه‌ای برای انجام تحلیل مضمون فراهم شد. جامعه خبرگان این مطالعه را ۱۰ نفر از اساتید مدیریت دانشگاه با حداقل ده سال سابقه مرتبط و شناخت عمیق نسبت به موضوع الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی تشکیل می‌دادند. شیوه گزینش مشارکت‌کنندگان هدفمند بود؛ به این ترتیب که تنها افرادی انتخاب شدند که احتمال می‌رفت بتوانند داده‌های غنی و سودمندی در زمینه مورد بحث ارائه دهند. جدول شماره یک دربرگیرنده حوزه تخصص، میزان تحصیلات و حوزه شغلی خبرگان است.

جدول ۱. فهرست مصاحبه شونده‌گان به تفکیک تحصیلات و حرفه

ردیف	تخصص	مدرك تحصیلی	تعداد
۱	ادبیات فارسی	کارشناسی ارشد	۱
۲	مدیریت فرهنگی	کارشناسی ارشد	۱
۳	مدیریت آموزشی	دکتری تخصصی	۱
۴	ادبیات فارسی	دکترای تخصصی	۱
۵	مدیریت فرهنگی	دکتری تخصصی	۱
۶	ادبیات فارسی	دکتری تخصصی	۱
۷	مدیریت آموزشی	کارشناسی ارشد	۱
۸	ادبیات فارسی	دکترای تخصصی	۱
۹	ادبیات فارسی	کارشناسی ارشد	۱
۱۰	مدیریت فرهنگی	دکتری تخصصی	۱
جمع کل			۱۰

پس از گردآوری مصاحبه‌ها، محتوای آن‌ها ابتدا به صورت نوشتاری آماده و سپس بازبینی شد. در راستای درک عمیق از دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان پیرامون الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی، رویکرد استقرایی (حرکت از جزء به کل) در تحلیل داده‌ها به کار گرفته شد. بر این اساس، هر مصاحبه به صورت مجزا و کامل مورد بررسی قرار گرفت و پژوهشگران با تمرکز بر محتوای مصاحبه و مطالعه مکرر آن، مفاهیم معناداری را که برای هر شرکت کننده مطرح بود استخراج نمودند. این مفاهیم ابتدا در قالب مضامین پایه دسته‌بندی شد. در مرحله بعد، با توجه به مشابهت‌ها و هم‌پوشانی مفهومی، مضامینی که بیانگر ابعاد گوناگون موضوع بودند، شناسایی و ثبت گردیدند.

در مرحله سوم، فرایند خوشه‌بندی مقوله‌ها صورت گرفت؛ در این مرحله، تم‌های سازمان دهنده و فراگیر بر اساس هم‌خوانی و تجمیع مفاهیم مشترک شکل گرفتند. نتیجه این فرایند، دستیابی به چارچوبی جامع بود که نحوه الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی را نشان می‌داد.

به منظور ارتقای روایی و پایایی فرایند کیفی، از دو راهبرد «بازبینی خارجی» و «تکثرگرایی» استفاده شد. در بازبینی خارجی، متون کدگذاری شده به افرادی خارج از تیم اصلی پژوهش سپرده شد تا دیدگاه انتقادی و اصلاحی خود را ارائه دهند. در راهبرد تکثرگرایی نیز، چند پژوهشگر در بررسی و کدگذاری داده‌ها درگیر بودند و از دیدگاه‌های متفاوت در مرحله تحلیل بهره گرفته شد. در جدول شماره ۲، نمونه گزیده‌ای از مصاحبه‌های انجام شده و برخی مضامین استخراج شده ارائه گردیده است.

جدول ۲. نمونه مصاحبه‌های انجام شده

متن مصاحبه	مضامین پایه
زبان فارسی بافت‌های فرهنگی و هویتی ملی ما را در طول تاریخ به هم پیوند داده است. نقشی که این زبان در انتقال ارزش‌های فرهنگی و سنتی ایفا کرده، پیچیده و چندلایه ای است و از طریق ابزارهای متنوعی متجلی می‌گردد. این زبان، با قابلیت‌های بیان بی نظیرش، در هر زمینه از تاریخ و فرهنگ ایرانی، نقش اساسی داشته است. از شاهنامه فردوسی، با روایت‌های حماسی و پر افتخار، تا مثنوی معنوی مولانا، با عمق فلسفی و معنوی، هر کدام آینه ای هستند که فرهنگ و هویت ایرانی را به تصویر می‌کشند. این آثار، به عنوان گنجینه‌های ادبیات فارسی، به طور شگفت انگیزی تجارب، اندیشه‌ها و روحیات ایرانیان را در طول زمان منعکس می‌کنند. کلمات و عبارات بکار رفته در این متون، نه تنها نمادین و مملو از عمق معنایی هستند، بلکه به طور کامل بافت اجتماعی و اعتقادات دینی ایرانیان را در بر می‌گیرند.	- زبان فارسی بافت‌های فرهنگی و هویتی ملی ما را در طول تاریخ به هم پیوند داده است. نقشی که این زبان در انتقال ارزش‌های فرهنگی و سنتی ایفا کرده، پیچیده و چندلایه ای است و از طریق ابزارهای متنوعی متجلی می‌گردد. - کلمات و عبارات بکار رفته در آثار ادبیات فارسی، نه تنها نمادین و مملو از عمق معنایی هستند، بلکه به طور کامل بافت اجتماعی و اعتقادات دینی ایرانیان را در بر می‌گیرند.

پس از گردآوری مصاحبه‌ها، محتوای آن‌ها ابتدا به صورت نوشتاری آماده و سپس جمله‌ها و پاراگراف‌های مرتبط با سوال‌های تحقیق استخراج گردیدند و پس از کدگذاری و دسته بندی، مفاهیم و مقوله‌های اصلی استخراج گردید که در پایان، ابعاد و مولفه‌های ارائه الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی در ۷ بعد (حفظ ارزش‌های فرهنگ ایرانی، گسترش اسلام و تقویت ارزش‌های فرهنگ اسلامی، حفظ و ارتقای زبان و ادبیات فارسی، حفظ و اعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی، حفظ هویت فرهنگی ایرانیان، توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی و گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان) به شرح جدول زیر ارائه شد.

جدول ۳. ابعاد و مولفه‌های ارائه الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی

ردیف	ابعاد	مولفه‌ها
۱	حفظ ارزش‌های فرهنگ ایرانی	محافظت از ارزش‌های فرهنگی جامعه ایرانی
۲		شکل دهی به هویت ملی ایرانی
۳		تقویت یکپارچگی و انسجام فرهنگی
۴		ترویج ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی ایرانی
۵	گسترش اسلام و تقویت ارزش‌های فرهنگ اسلامی	انتقال ارزش‌های فرهنگی ایرانی به جوامع اسلامی
۶		نقش زبان و ادبیات فارسی در گسترش و غنای فرهنگ اسلامی
۷		انقلاب اسلامی و ترویج زبان فارسی
۸	حفظ و ارتقای زبان و ادبیات فارسی	ضرورت بازسازی و ارتقای زبان فارسی
۹		نقش دانشمندان و ادیبان در حفظ و ارتقای زبان فارسی
۱۰		نقش فرهنگ در آموزش زبان فارسی
۱۱		نقش اسلام در غنای ادبیات فارسی
۱۲	حفظ و اعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی	نقش شاعران بزرگ در اعتلای زبان و میراث فرهنگی ایرانیان
۱۳		پاسداری از گنجینه زبان و ادبیات فارسی
۱۴		پیوند هویت فرهنگی و ملی مردم و اقوام ایرانی
۱۵		انتقال و ترویج ارزش‌های انسانی و اجتماعی در تاریخ ایران
۱۶	حفظ هویت فرهنگی ایرانیان	نقش ادبیات فارسی در حفظ هویت فرهنگی ایرانیان
۱۷		ارتقای هویت دینی و جاودانگی ارزش‌های معنوی
۱۸		حفظ فرهنگ و تمدن ایرانی
۱۹		نظام آموزشی و انتقال و پاسداشت فرهنگ
۲۰	توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی	ادبیات فارسی و توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی
۲۱		ادبیات فارسی و پیشرفت جامعه
۲۲		ادبیات فارسی و تحول جامعه
۲۳		ادبیات فارسی و اعتلای فرهنگی و اجتماعی جامعه
۲۴	گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان	تحکیم و ترویج معارف اسلامی
۲۵		رغبت مردم به زبان فارسی
۲۶		حفظ زاینده‌گی و خلاقیت زبان فارسی
۲۷		ترویج صحیح زبان فارسی در خارج از کشور

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی انجام شد و نتایج تحلیل مضمون نشان داد که این الگو از هفت مضمون فراگیر شامل «حفظ ارزش‌های فرهنگ ایرانی»، «گسترش اسلام و تقویت ارزش‌های فرهنگ اسلامی»،

«حفظ و ارتقای زبان و ادبیات فارسی»، «حفظ و اعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی»، «حفظ هویت فرهنگی ایرانیان»، «توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی» و «گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان» تشکیل شده است. علاوه بر این، ۲۷ مضمون سازمان‌دهنده در ذیل این ابعاد شناسایی شد که مجموعه‌ای از مؤلفه‌های هویتی، فرهنگی، آموزشی، دینی، اجتماعی و بین‌المللی را دربر می‌گیرد. چنین الگویی نشان می‌دهد که تقویت زبان و ادبیات فارسی را نمی‌توان به آموزش مهارت‌های زبانی یا حفظ متون ادبی محدود کرد؛ بلکه زبان فارسی در این پژوهش به‌عنوان یک سرمایه فرهنگی و تمدنی چندلایه شناخته شده است که می‌تواند به‌طور هم‌زمان در حفظ هویت، انتقال ارزش‌ها، بازتولید حافظه تاریخی، توسعه فرهنگی و ایجاد ارتباط با دیگر جوامع نقش داشته باشد. این برداشت با دیدگاه‌هایی هماهنگ است که زبان و ادبیات را یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال فرهنگ و تقویت انسجام ملی می‌دانند (Bozorgmehr, 2024; Darbazi Yengejeh & Samadi Silabi, 2025).

نخستین مضمون فراگیر، یعنی حفظ ارزش‌های فرهنگ ایرانی، شامل مؤلفه‌هایی نظیر محافظت از ارزش‌های فرهنگی جامعه ایرانی، شکل‌دهی به هویت ملی، تقویت یکپارچگی و انسجام فرهنگی، ترویج ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و انتقال این ارزش‌ها به جوامع اسلامی بود. این یافته نشان می‌دهد که از دیدگاه خبرگان، زبان فارسی فقط حامل واژگان و ساختارهای زبانی نیست، بلکه بستری برای ذخیره و انتقال معانی فرهنگی است. بخش زیادی از ارزش‌های تاریخی و اجتماعی ایرانیان در قالب شعر، داستان، حکایت، ضرب‌المثل، متون عرفانی و آثار کلاسیک تثبیت شده و از طریق آنها به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. این نتیجه با یافته‌های باقری همسو است که ادبیات را یکی از ابزارهای اصلی حفظ هویت فرهنگی معرفی می‌کند (Bagheri, 2023). همچنین، بزرگمهر بر پیوند میان ادبیات، فرهنگ و هویت یک ملت تأکید کرده و نشان داده است که ادبیات از طریق بازنمایی حافظه و ارزش‌های مشترک، در استمرار فرهنگی جامعه نقش دارد (Bozorgmehr, 2024). در همین راستا، علی‌دوست و فلاحیان نیز تأکید کرده‌اند که شعر و ادب فارسی ظرفیت قابل‌توجهی برای احیای عناصر فرهنگی ایران و بازتولید آنها در نسل‌های جدید دارد (Alidoust & Fallahian, 2024). بنابراین، مضمون نخست بیانگر آن است که تقویت زبان فارسی می‌تواند یکی از مسیرهای اصلی حفظ سرمایه فرهنگی در شرایط تحولات اجتماعی و جهانی باشد.

دومین مضمون فراگیر به گسترش اسلام و تقویت ارزش‌های فرهنگ اسلامی مربوط بود. در این بخش، نقش زبان و ادبیات فارسی در انتقال ارزش‌های فرهنگی به جوامع اسلامی، گسترش و غنای فرهنگ اسلامی و ترویج زبان فارسی در بستر فرهنگی پس از انقلاب اسلامی برجسته شد. تبیین این یافته را باید در تعامل تاریخی طولانی زبان فارسی و فرهنگ اسلامی جست‌وجو کرد. زبان فارسی پس از ورود اسلام نه تنها تضعیف نشد، بلکه با جذب، بازآفرینی و بومی‌سازی بسیاری از مفاهیم دینی، اخلاقی، فلسفی و عرفانی، به یکی از زبان‌های مهم تولید و انتقال دانش و معنویت اسلامی تبدیل شد. پژوهش رئیسی نیز نشان داده است که فرهنگ و تعالیم اسلامی تأثیری چندوجهی بر شکل‌گیری و توسعه ادبیات فارسی داشته و موجب گسترش مضامین عرفانی، اخلاقی و دینی در آثار ادبی شده است (Raeisi, 2024). همچنین، یافته‌های درباری ینگجه و صمدی سیلابی نشان می‌دهد که زبان فارسی در جوامع اسلامی نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط، بلکه ابزاری برای انتقال ارزش‌های ایرانی و اسلامی بوده است (Darbazi Yengejeh & Samadi Silabi, 2025). در نتیجه، تعامل فرهنگ ایرانی و اسلامی را باید یکی از منابع مهم غنای زبان و ادبیات فارسی دانست و سیاست‌های تقویتی نیز باید این پیوند تاریخی را در نظر گیرند.

سومین مضمون، حفظ و ارتقای زبان و ادبیات فارسی، به‌طور مستقیم بر ضرورت بازسازی و ارتقای زبان، نقش دانشمندان و ادیبان، نقش فرهنگ در آموزش زبان فارسی و تأثیر اسلام بر غنای ادبیات فارسی تأکید داشت. این یافته نشان می‌دهد که حفظ زبان صرفاً از طریق حفاظت منفعلانه امکان‌پذیر نیست، بلکه زبان برای تداوم حیات خود نیازمند بازتولید، نوآوری و انطباق با شرایط جدید اجتماعی، علمی و فناوری است. پیشینه تاریخی زبان فارسی نشان می‌دهد که یکی از دلایل استمرار آن، توان بالای سازگاری و بازآفرینی در دوره‌های مختلف بوده است. مطالعه فارسی باستان و تحولات تاریخی زبان‌های ایرانی نیز عمق تاریخی و استمرار ساختاری این سنت زبانی را آشکار می‌کند (Skjaervo, 2012). از منظر راهبردی نیز می‌توان این ویژگی را نوعی مزیت فرهنگی دانست. بر اساس منطق مدیریت راهبردی، منابعی که دارای ویژگی‌های متمایز، پایدار و دشوار برای تقلید باشند، می‌توانند جایگاه برتری ایجاد کنند (Ansoff, 2022). از این منظر، پیشینه تاریخی، غنای واژگانی،

تنوع ادبی و میراث گسترده مکتوب فارسی ظرفیت‌هایی هستند که در صورت مدیریت صحیح می‌توانند جایگاه فرهنگی زبان فارسی را در محیط رقابتی جهانی تقویت کنند.

چهارمین مضمون فراگیر، حفظ و اعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی، شامل مؤلفه‌هایی مانند نقش شاعران بزرگ در اعتلای زبان و میراث فرهنگی، پاسداری از گنجینه زبان و ادبیات فارسی، پیوند هویت فرهنگی و ملی اقوام ایرانی و انتقال ارزش‌های انسانی و اجتماعی بود. این یافته نشان می‌دهد که آثار ادبی کلاسیک در الگوی پژوهش حاضر نه فقط به عنوان میراث تاریخی، بلکه به مثابه منابع فعال تمدنی تلقی شده‌اند. آثار فردوسی، حافظ، سعدی، مولوی و دیگر شاعران بزرگ فارسی‌زبان، شبکه‌ای از مفاهیم انسانی، اخلاقی، عرفانی و اجتماعی را شکل داده‌اند که می‌تواند در بازتعریف فرهنگ ایرانی در جهان معاصر مورد استفاده قرار گیرد. یافته‌های پژوهش ناظری و شکری جوشقانی نیز نشان می‌دهد که ادبیات فارسی از طریق ایجاد کنش‌های هویت‌ساز و انتقال ارزش‌های انسانی می‌تواند در توسعه فرهنگی جامعه نقش داشته باشد (Nazeri & Shokri Joshaghani, 2024). علی‌دوست و فلاحیان نیز ظرفیت شعر و ادب فارسی برای احیای فرهنگ ایرانی را مورد تأکید قرار داده‌اند (Alidoust & Fallahian, 2024). بنابراین، اعتلای تمدنی زمانی تحقق می‌یابد که میراث ادبی از وضعیت صرفاً آرشیوی و تاریخی خارج شده و به منبعی زنده برای تولید فرهنگی، آموزش، هنر و تعاملات اجتماعی تبدیل شود.

مضمون پنجم به حفظ هویت فرهنگی ایرانیان مربوط بود که در آن نقش ادبیات فارسی در حفظ هویت فرهنگی و ارتقای هویت دینی و استمرار ارزش‌های معنوی برجسته شد. این یافته از آن جهت اهمیت دارد که هویت فرهنگی در جهان معاصر در معرض تأثیرات متعدد رسانه‌ای، فناوری و بین‌فرهنگی قرار گرفته است. زبان، یکی از پایدارترین عناصر هویت جمعی است و در صورتی که ارتباط نسل‌های جدید با زبان و ادبیات خود تضعیف شود، بخش مهمی از حافظه فرهنگی نیز ممکن است دچار گسست شود. نتیجه حاضر با یافته‌های سیفی قاضی محله همخوان است که آموزش زبان و ادبیات فارسی را عاملی مؤثر در تقویت هویت ملی و فرهنگی معرفی کرده است (Seifi Ghazi Mahalleh, 2024). همچنین، نتایج باقری نقش ادبیات در حفظ هویت فرهنگی را تأیید می‌کند (Bagheri, 2023). بنابراین، آموزش ادبیات فارسی باید فراتر از حفظ اشعار یا شناخت سبک‌های ادبی باشد و به ایجاد ارتباط معنادار میان متون ادبی و تجربه هویتی نسل جدید منجر شود.

ششمین مضمون فراگیر، توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی، یکی از جامع‌ترین ابعاد الگوی استخراج‌شده بود و مؤلفه‌هایی مانند حفظ فرهنگ و تمدن، نقش نظام آموزشی در انتقال و پاسداشت فرهنگ، نقش ادبیات در توسعه و پیشرفت جامعه، تحول اجتماعی، اعتلای فرهنگی و اجتماعی و تحکیم معارف اسلامی را دربر می‌گرفت. این نتیجه نشان می‌دهد که زبان و ادبیات فارسی می‌توانند نه فقط در حفاظت از گذشته، بلکه در شکل‌دهی آینده فرهنگی جامعه نیز ایفای نقش کنند. ادبیات به واسطه قدرت خود در پرورش تخیل، تفکر انتقادی، حساسیت اخلاقی و درک اجتماعی می‌تواند به شکل‌گیری سرمایه فرهنگی و ارتقای کیفیت تعاملات اجتماعی کمک کند. پژوهش ناظری و شکری جوشقانی نیز بر ظرفیت ادبیات فارسی در توسعه فرهنگی ایران و ایجاد کنش‌های هویت‌ساز و انسان‌محور تأکید کرده است (Nazeri & Shokri Joshaghani, 2024). از سوی دیگر، جهانی‌شدن ساختارهای سنتی ارتباط و انتقال فرهنگ را متحول کرده و امکان دسترسی گسترده‌تر به تولیدات فرهنگی را فراهم کرده است (Raikhan et al., 2014). در چنین شرایطی، توسعه فرهنگی ایران مستلزم آن است که ادبیات فارسی در قالب‌های معاصر، دیجیتال و قابل دسترسی برای مخاطبان داخلی و خارجی بازتولید شود.

هفتمین مضمون فراگیر، گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان، شامل افزایش رغبت به زبان فارسی، حفظ زاینده‌گی و خلاقیت آن و ترویج صحیح فارسی در خارج از کشور بود. این یافته نشان می‌دهد که خبرگان، بعد بین‌المللی زبان فارسی را جزء جدایی‌ناپذیر توسعه فرهنگی و تمدنی ایران می‌دانند. سابقه تاریخی نفوذ ادبیات فارسی در مناطق مختلف جهان نشان می‌دهد که این زبان ظرفیت قابل توجهی برای ایفای نقش فرامرزی دارد. شاه‌میرزا به حضور و نفوذ بزرگان ادب فارسی در کشورهای روسی‌زبان و ظرفیت آن برای گسترش تأثیر فرهنگی اشاره کرده است (Shahmirza, 2011). علاوه بر این، گسترش ارتباطات دیجیتال شرایط تازه‌ای برای انتشار محتوا و معرفی زبان‌ها فراهم کرده

است. لیدنر نشان می‌دهد که جهانی‌شدن اطلاعاتی موجب افزایش شفافیت و گردش جهانی دانش شده است (Leidner, 2010). بنابراین، حضور فعال فارسی در فضای دیجیتال، تولید محتوای چندرسانه‌ای، ترجمه آثار ادبی و ایجاد فرصت‌های آموزش برخط می‌تواند به افزایش دامنه مخاطبان این زبان کمک کند.

از منظر ارتباطات میان فرهنگی نیز یافته مربوط به گسترش جهانی زبان فارسی قابل تبیین است. یادگیری یک زبان خارجی زمانی پایدارتر و اثربخش‌تر است که زبان‌آموز در کنار ساختار زبان، با فرهنگ و جهان معنایی آن نیز آشنا شود. لیو نشان داده است که ارتباطات میان فرهنگی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای یادگیری زبان و افزایش درک متقابل میان افراد داشته باشد (Liu, 2024). از این رو، آموزش فارسی در خارج از کشور باید با معرفی ادبیات، هنر، تاریخ و سبک زندگی فرهنگی ایرانی همراه باشد. با این حال، تفاوت‌های فرهنگی ممکن است به خطاهای ارتباطی و سوءبرداشت منجر شوند؛ بنابراین، برنامه‌های توسعه زبان باید نسبت به موانع ارتباطات میان فرهنگی حساس باشند (Sarvinozkhon, 2023). شاهلو نیز بر اهمیت فرایند دریافت پیام و تفاوت چارچوب‌های فرهنگی در ارتباطات میان فرهنگی تأکید کرده است (Shahlo, 2023). در نتیجه، جهانی‌سازی زبان فارسی نیازمند رویکردی مبتنی بر شناخت مخاطب، سازگاری فرهنگی و تولید محتوای متناسب با بافت کشورهای مقصد است.

یافته‌های پژوهش همچنین باید در بستر تهدیدهای جهانی علیه تنوع زبانی تفسیر شوند. در جهان امروز بسیاری از زبان‌ها در نتیجه کاهش جمعیت گویشوران، فشار زبان‌های مسلط و تغییرات اجتماعی در معرض زوال قرار گرفته‌اند و گزارش‌ها از ناپدید شدن مستمر زبان‌ها و در نتیجه از دست رفتن بخشی از میراث فرهنگی بشر حکایت دارند (Maugh, 2017). اگرچه زبان فارسی از پشتوانه جمعیتی و ادبی قدرتمندی برخوردار است، تضمینی وجود ندارد که بدون سرمایه‌گذاری فرهنگی بتواند جایگاه خود را در همه حوزه‌های نوین علمی، فناوری و رسانه‌ای حفظ کند. از این رو، مؤلفه «حفظ زاینده‌گی و خلاقیت زبان فارسی» در الگوی حاضر اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا زبان باید قادر باشد برای مفاهیم نو اصطلاح‌سازی کند، در فناوری‌های جدید حضور داشته باشد و نیازهای ارتباطی نسل‌های آینده را پاسخ دهد.

در مجموع، نتایج نشان داد که هفت مضمون استخراج‌شده به صورت مجزا عمل نمی‌کنند، بلکه شبکه‌ای به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند. حفظ ارزش‌های فرهنگی از طریق زبان می‌تواند هویت ملی را تقویت کند؛ هویت فرهنگی قوی‌تر زمینه پاسداری از میراث ادبی را فراهم می‌آورد؛ آموزش و بازتولید ادبیات می‌تواند موجب توسعه فرهنگی شود و توسعه فرهنگی نیز ظرفیت حضور بین‌المللی زبان فارسی را افزایش دهد. در مقابل، حضور جهانی زبان فارسی می‌تواند به شناساندن فرهنگ و تمدن ایرانی و ایجاد فرصت‌های جدید تعامل میان فرهنگی کمک کند. این رابطه شبکه‌ای با مطالعاتی که تعامل میان جهانی‌شدن و فرهنگ را فرایندی دوطرفه می‌دانند همسو است (Raikhan et al., 2014). از این منظر، زبان و ادبیات فارسی هم موضوع حفاظت فرهنگی و هم ابزار کنشگری فرهنگی محسوب می‌شوند. بنابراین، الگوی حاصل از پژوهش حاضر بر ضرورت گذار از رویکردهای پراکنده و بخشی به سوی سیاست‌گذاری یکپارچه تأکید دارد؛ سیاستی که آموزش، رسانه، فناوری، ترجمه، دیپلماسی فرهنگی و حمایت از تولید ادبی را در یک چارچوب هماهنگ قرار دهد.

این پژوهش با چند محدودیت مواجه بود که در تفسیر یافته‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. نخست، داده‌های پژوهش از مصاحبه با ۱۰ نفر از خبرگان حوزه‌های مرتبط گردآوری شد؛ بنابراین، اگرچه فرایند مصاحبه تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت، نمی‌توان مدعی شد که تمام دیدگاه‌های موجود در میان متخصصان زبان و ادبیات فارسی، سیاست‌گذاران فرهنگی، مدرسان، نویسندگان، مترجمان و فعالان حوزه بین‌المللی زبان فارسی در الگوی حاضر منعکس شده است. دوم، ماهیت کیفی پژوهش موجب می‌شود نتایج بیش از آنکه برای تعمیم آماری مناسب باشند، برای تعمیم تحلیلی و نظری کاربرد داشته باشند. سوم، بخشی از مفاهیم مورد مطالعه مانند فرهنگ، تمدن، هویت و اعتلای فرهنگی، ماهیتی پیچیده و چندسطحی دارند و برداشت مصاحبه‌شوندگان از آنها ممکن است تحت تأثیر زمینه‌های تخصصی و تجربیات شخصی قرار گرفته باشد. همچنین، پژوهش حاضر به طور مستقیم دیدگاه گروه‌هایی مانند دانش‌آموزان، دانشجویان، فارسی‌آموزان خارجی، ناشران، مترجمان و کاربران رسانه‌های دیجیتال را بررسی نکرد.

پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده الگوی استخراج‌شده با استفاده از روش‌های کمی و نمونه‌های بزرگ‌تر اعتبارسنجی شود و روابط میان ابعاد هفت‌گانه آن با روش‌هایی مانند تحلیل عاملی تأییدی یا مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گیرد. انجام پژوهش‌های تطبیقی میان ایران و کشورهای فارسی‌زبان یا کشورهایی که دارای سابقه تاریخی حضور زبان فارسی هستند نیز می‌تواند به شناسایی تفاوت‌های زمینه‌ای در سیاست‌های تقویت زبان کمک کند. همچنین، مطالعه نگرش فارسی‌آموزان خارجی نسبت به ادبیات و فرهنگ ایرانی، بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی در توسعه زبان فارسی، تحلیل وضعیت فارسی در فضای علمی و فناوری و ارزیابی اثربخشی برنامه‌های آموزش فارسی در مراکز بین‌المللی از موضوعات مهم برای پژوهش‌های آینده است. مطالعات طولی نیز می‌توانند نشان دهند که اجرای سیاست‌های پیشنهادی در بلندمدت چه تأثیری بر نگرش نسل جدید، مصرف فرهنگی، هویت ملی و جایگاه بین‌المللی زبان فارسی خواهد داشت.

بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود نهادهای آموزشی و فرهنگی برنامه‌ای هماهنگ برای تقویت زبان و ادبیات فارسی تدوین کنند که آموزش رسمی، رسانه، فناوری، تولید ادبی و دیپلماسی فرهنگی را به یکدیگر پیوند دهد. بازنگری در شیوه آموزش ادبیات فارسی با تمرکز بر روش‌های تعاملی، چندرسانه‌ای و مسئله‌محور، حمایت از تولید محتوای دیجیتال باکیفیت، توسعه ابزارها و سامانه‌های هوشمند مبتنی بر زبان فارسی، حمایت از ترجمه آثار برجسته فارسی به زبان‌های دیگر، گسترش کرسی‌ها و دوره‌های آموزش فارسی در دانشگاه‌های خارجی و ایجاد شبکه بین‌المللی استادان و فارسی‌آموزان می‌تواند در این راستا مؤثر باشد. همچنین، حمایت از نویسندگان و شاعران معاصر، تقویت صنایع فرهنگی مبتنی بر ادبیات، استفاده از ظرفیت سینما، پویانمایی، بازی‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی برای بازآفرینی آثار کلاسیک و طراحی برنامه‌های جذاب برای ارتباط نسل جوان با میراث ادبی می‌تواند ضمن پاسداشت سنت، زاینده‌گی و پویایی زبان فارسی را در شرایط فرهنگی و فناورانه جدید تضمین کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

Language constitutes one of the most fundamental mechanisms through which collective memory, cultural values, historical experiences, social norms, and patterns of identity are transmitted across generations. Beyond its communicative function, language provides a symbolic structure through which societies interpret their past, organize their present, and formulate cultural aspirations for the future. Literature, as one of the most sophisticated manifestations of language, preserves and reproduces these meanings in enduring textual forms. In the Iranian context, Persian language and literature have historically played a central role in maintaining cultural continuity, consolidating national identity, transmitting ethical and spiritual values, and connecting diverse social and ethnic groups within a shared cultural sphere. Previous research has emphasized that literature functions as an important mechanism for preserving cultural identity because literary works embody collective memories, symbolic meanings, social values, and historical experiences that can be transmitted from one generation to another (Bagheri, 2023). Persian has similarly contributed to the dissemination of Iranian cultural values across Islamic societies and has served as both a linguistic and cultural medium in different historical periods (Darbazi Yengejeh & Samadi Silabi, 2025).

The importance of Persian is also rooted in its long historical continuity. The linguistic tradition from Old Persian to later forms of Persian demonstrates the durability of Iranian linguistic structures and their close relationship with political, cultural, and intellectual developments over several centuries (Skjaervo, 2012). This continuity has allowed Persian literature to preserve substantial parts of the Iranian cultural heritage while adapting to major historical transformations. Classical Persian literature, particularly the works of Ferdowsi, Saadi, Hafez, Rumi, and other prominent writers, contains a rich combination of historical narratives, ethical principles, mystical ideas, social values, and aesthetic expressions. Research on Persian poetry and literature has consequently indicated that literary heritage can contribute to the revival and reproduction of Iranian culture by reconnecting contemporary society with longstanding cultural symbols and values (Alidoust & Fallahian, 2024). Literature has also been identified as an important component in the formation and maintenance of national cultural identity (Bozorgmehr, 2024).

The interaction between Persian culture and Islamic teachings represents another major dimension of this historical development. Following the spread of Islam in Iran, Persian gradually became an important medium for expressing religious, philosophical, ethical, and mystical concepts. Islamic teachings influenced the thematic and conceptual development of Persian literature, while Persian literary forms simultaneously contributed to the cultural dissemination of Islamic thought (Raeisi, 2024). This reciprocal relationship helped create a distinctive Iranian-Islamic cultural tradition in which linguistic, literary, religious, and civilizational elements became closely interconnected. The influence of Persian extended beyond Iran and contributed to cultural exchange across parts of Central Asia, the Indian subcontinent, the Caucasus, and other regions. The historical presence of major Persian literary figures in Russian-speaking countries, for example, has been considered an important source of cultural influence and intercultural connection (Shahmirza, 2011).

The contemporary significance of Persian language and literature must, however, be examined in the context of globalization. Globalization has intensified cultural contact, accelerated the circulation of information, and exposed national cultures to unprecedented forms of competition and interaction. Studies of globalization and culture suggest that increasing global interconnectedness can transform cultural patterns and redefine the ways in which societies preserve and communicate their identities (Raikhan et al., 2014). The expansion of information technologies has also created new conditions for global knowledge transparency, providing opportunities for cultural products and linguistic resources to circulate more extensively across borders (Leidner, 2010). These developments create opportunities for Persian to expand through digital media, international education, translation, and intercultural communication, but they also generate risks for languages that fail to maintain active roles in emerging scientific, technological, and media environments.

The vulnerability of linguistic diversity further highlights the importance of systematic language preservation. Reports on language extinction indicate that numerous languages are disappearing at a rapid rate, resulting not only in linguistic loss but also in the disappearance of culturally specific knowledge, narratives, traditions, and worldviews (Maugh, 2017). Although Persian has a substantial number of speakers and a rich literary heritage, its continued vitality cannot be assumed without sustained cultural, educational, and technological support. From a strategic perspective, historically accumulated linguistic resources, literary richness, symbolic depth, and cultural distinctiveness may be regarded as cultural advantages that can strengthen the position of Persian in a competitive global environment (Ansoff, 2022).

The educational system is particularly important in maintaining this continuity. Persian language and literature education can strengthen familiarity with national history, collective memory, literary heritage, and cultural values, thereby contributing to the formation of national and cultural identity (Seifi Ghazi Mahalleh, 2024). At the same time, Persian literature may contribute to broader cultural development through its capacity to cultivate social awareness, ethical reflection, historical consciousness, and collective identity (Nazeri & Shokri Joshaghani, 2024). In international settings, language education can be further strengthened when it is integrated with intercultural learning. Evidence from language education research indicates that intercultural communication can enhance language learning by connecting linguistic competence with cultural understanding (Liu, 2024). However, intercultural exchange may also be hindered by differences in cultural frameworks, communication expectations, and interpretive patterns (Sarvinokhon, 2023). The reception of messages across cultural boundaries therefore requires sensitivity to different cultural contexts and meaning systems (Shahlo, 2023). These considerations suggest that strengthening Persian requires a comprehensive framework that simultaneously addresses cultural identity, literary heritage, education, Islamic values, cultural development, and international dissemination. Accordingly, the present study aimed to develop a thematic model for strengthening Persian language and literature in support of the development of Iranian culture and civilization.

Materials and Methods

This study was applied in purpose and qualitative in approach and was conducted within an interpretive paradigm using thematic analysis. The study population consisted of experts with relevant academic and professional experience in Persian literature, cultural management, and educational management. Participants were selected purposively on the basis of their knowledge of Persian language and literature and their familiarity with issues related to Iranian culture and civilization. Ten experts participated in the study, and data collection continued until theoretical saturation was reached, meaning that subsequent interviews no longer generated substantially new conceptual information.

Data were collected through semi-structured interviews. At the beginning of each interview, the overall purpose of the study was explained to the participant. Interviewees were then invited to describe their views, experiences, and interpretations concerning the mechanisms through which Persian language and literature could be strengthened in ways that contribute to Iranian cultural and civilizational development. Follow-up questions were used when necessary to clarify meanings, obtain examples, and explore emerging ideas more deeply.

All interviews were transcribed and repeatedly reviewed. An inductive analytic procedure was adopted in which meaningful statements and concepts were first extracted from individual interviews. These concepts were subsequently grouped into basic themes. Conceptually similar themes were compared, integrated, and organized into higher-level categories. Through continuous comparison and clustering, organizing themes and overarching themes were developed. To improve the credibility and trustworthiness of the qualitative analysis, external review and researcher pluralism were employed. Coded materials were examined by individuals outside the primary research team, and multiple researchers participated in reviewing and interpreting the data.

Findings

The thematic analysis produced a comprehensive model consisting of seven overarching themes and 27 organizing themes. The seven overarching dimensions were: preservation of Iranian cultural values; expansion of Islam and reinforcement of Islamic cultural values; preservation and advancement of Persian language and literature; preservation and elevation of Iranian culture and civilization; preservation of Iranian cultural identity; development of Iranian culture and civilization; and global expansion of Persian language and literature.

The first dimension, preservation of Iranian cultural values, included protection of the cultural values of Iranian society, formation of national identity, strengthening of cultural cohesion and integration, promotion of Iranian social and cultural values, and transmission of Iranian cultural values to Islamic societies. These themes showed that Persian language and literature were perceived as important vehicles for transmitting cultural meaning and maintaining continuity between generations.

The second dimension concerned the expansion of Islam and reinforcement of Islamic cultural values. It encompassed the role of Persian language and literature in enriching Islamic culture, transferring Iranian-Islamic values to other societies, and supporting the promotion of Persian within the cultural context of the Islamic Republic. The participants emphasized the historical interaction between Persian literary heritage and Islamic ethical, religious, philosophical, and mystical thought.

The third dimension, preservation and advancement of Persian language and literature, included the need to renew and improve Persian, the role of scholars and literary figures in its preservation, the contribution of culture to Persian language education, and the role of Islam in enriching Persian literature. This dimension highlighted the need for an active rather than purely protective approach to language preservation.

The fourth dimension was preservation and elevation of Iranian culture and civilization. Its organizing themes included the contribution of major poets to the advancement of Persian and Iranian cultural heritage, safeguarding the treasury of Persian language and literature, strengthening links between national and cultural identity across Iranian ethnic groups, and transmitting human and social values throughout Iranian history.

The fifth dimension, preservation of Iranian cultural identity, included the role of Persian literature in maintaining cultural identity and strengthening religious identity and the continuity of spiritual values. The sixth dimension, development of Iranian culture and civilization, encompassed cultural preservation, the role of the educational system in cultural transmission, the contribution of Persian literature to cultural and civilizational development, social progress, social transformation, cultural and social advancement, and reinforcement of Islamic knowledge.

The seventh dimension was the global expansion of Persian language and literature. Its main components included increasing public interest in Persian, preserving the productivity and creativity of the language, and promoting Persian appropriately outside Iran. Together, these themes formed an integrated model in which cultural identity, education, religion, literary heritage, social development, and international cultural exchange were closely interconnected.

Discussion and Conclusion

The findings indicate that strengthening Persian language and literature is a multidimensional cultural process rather than a narrowly linguistic or educational intervention. The seven identified dimensions demonstrate that Persian simultaneously functions as a carrier of national identity, a repository of historical memory, a medium of Iranian-Islamic values, a resource for cultural development, and an instrument of international cultural communication. The model therefore emphasizes that efforts to strengthen Persian should integrate preservation, education, innovation, cultural production, and international dissemination.

The preservation of Iranian cultural values emerged as a foundational component of the model. This finding implies that the vitality of Persian depends partly on its continued capacity to communicate social values,

historical experiences, and shared cultural meanings. Literature plays a particularly important role in this process because literary texts connect cultural memory with contemporary interpretation. Accordingly, the preservation of Persian should not be restricted to conserving classical texts; it should also involve making literary heritage relevant to contemporary generations through education, media, and cultural production.

The findings concerning Iranian-Islamic values further demonstrate that the historical identity of Persian cannot be separated from its long interaction with Islamic thought. Persian literature has served as a major medium for ethical, mystical, philosophical, and religious expression, and this heritage remains an important component of its cultural significance. At the same time, the results show that strengthening Persian requires linguistic creativity and modernization. A language that is preserved without being continuously renewed may gradually lose relevance in scientific, technological, educational, and everyday domains. Preservation must therefore be accompanied by innovation, terminology development, digital expansion, and adaptation to new communicative environments.

The study also emphasizes the central role of education. Educational institutions are not only responsible for teaching grammar and literary history but also for transmitting cultural memory and developing meaningful engagement with Persian literary heritage. More interactive, contemporary, and culturally relevant forms of education may help younger generations perceive Persian literature as a living resource rather than as a purely historical subject.

The global dimension of the model is equally important. Strengthening Persian within Iran and expanding it internationally should be regarded as complementary processes. Translation, digital content production, international Persian-language programs, cultural exchange, and cooperation among universities and cultural institutions can increase the global accessibility of Persian literature and Iranian cultural heritage. However, international promotion should be adapted to the cultural contexts of different audiences and should combine language instruction with literature, history, art, and intercultural knowledge.

Overall, the findings support an integrated understanding of Persian language and literature as both a cultural heritage requiring protection and a dynamic civilizational resource requiring development. Effective strengthening of Persian therefore depends on coordinated cultural, educational, technological, and international policies. The proposed model provides a structured framework for such efforts by identifying the principal dimensions through which Persian language and literature can contribute to preserving cultural identity, promoting Iranian-Islamic heritage, enhancing cultural development, and expanding the international presence of Iranian culture and civilization.

References

- Alidoust, A. H., & Fallahian, M. (2024). *Examining the role of Persian poetry and literature in reviving Iranian culture* Eighth National Conference on New Research in Iranian Language and Literature, Tehran. <https://civilica.com/doc/2089429> <https://civilica.com/doc/2089429>
- Ansoff, H. I. (2022). *Corporate Strategy*. McGraw-Hill.
- Bagheri, S. (2023). *Examining the role of literature in preserving cultural identity* Seventh International Conference on Persian Language and Literature, Hamadan. <https://civilica.com/doc/2008088> <https://civilica.com/doc/2008088>
- Bozorgmehr, E. (2024). *The role of literature in the culture and identity of a nation* Thirteenth International Conference on Language, Literature, History and Civilization, <https://civilica.com/doc/2221115> <https://civilica.com/doc/2221115>
- Darbazi Yengejeh, R., & Samadi Silabi, Z. (2025). *The influence of the Persian language on the spread of Iranian culture in Islamic societies* First International Conference on Scientific Research in Literature, Linguistics, Art and Culture, <https://civilica.com/doc/2355738> <https://civilica.com/doc/2355738>
- Leidner, D. E. (2010). Globalization, Culture, and Information: Towards Global Knowledge Transparency. *The Journal of Strategic Information Systems*, 19(2), 69-77.

- Liu, M. (2024). A Study on the Enhancement of English Proficiency by Intercultural Communication. *Applied Mathematics and Education*. <https://doi.org/10.2478/amns-2024-0061>
- Maugh, T. H., II. (2017). Researchers Say a Language Disappears Every Two Weeks. <http://articles.latimes.com/2007/sep/19/science/sci-language19>
- Nazeri, M., & Shokri Joshaghani, N. (2024). *The role of Persian literature in Iran's cultural development* Thirteenth International Conference on Language, Literature, History and Civilization, <https://civilica.com/doc/2221146>
<https://civilica.com/doc/2221146>
- Raeisi, K. a.-N. (2024). *Examining how Islamic culture and teachings influence the formation and development of Persian literature* Tenth National Conference on Interdisciplinary Research in Management and Humanities, Tehran. <https://civilica.com/doc/2119125> <https://civilica.com/doc/2119125>
- Raikhan, S., Moldakhmet, M., Ryskeldy, M., & Alua, M. (2014). The Interaction of Globalization and Culture in the Modern World. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 122, 8-12.
- Sarvinozkhon, A. (2023). Errors and Obstacles in Intercultural Communication. *Journal of new century innovations*.
- Seifi Ghazi Mahalleh, S. S. (2024). *Teaching Persian language and literature and its influence on national identity and culture* Seventh International Conference on Psychology, Educational Sciences and Social Studies, Hamadan. <https://civilica.com/doc/2277157> <https://civilica.com/doc/2277157>
- Shahlo, A. G. a. (2023). Issues of Intercultural Communication and Reception. *IJODKOR O'QITUVCHI Journal*.
- Shahmirza, S. M. (2011). Great figures of Persian literature in Russian-speaking countries: Foundations and opportunities for cultural influence. <http://www.ecinews.org/fa/pages/?cid=278>
- Skjaervo, P. O. (2012). *An Introduction to Old Persian*. Harvard University.